

آموزش نماز

ترتیب دکترا:

عبدالله بن أحمد بن علی الزید

ترجمہی:

إسحاق دبیری رحمۃ اللہ علیہ

تقدیم:

عبدالله حیدری

آموزش نماز	عنوان کتاب:
عبدالله بن أحمد بن علی الزید	ترتیب دکتر:
اسحاق دبیری <small>رحمته</small>	ترجمه‌ی:
عبدالله حیدری	تقدیم:
فقه و اصول - احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج)	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری	تاریخ انتشار:
کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
تقدیم	۱
مقدمه مترجم	۳
مقدمه	۷
پیشگفتار	۹
فضل نماز.....	۱۷
طهارات و پاکیزگی	۲۰
نمازهای فرض	۲۱
صفت و چگونگی نماز	۲۲
نماز جمعه	۲۸
نماز جماعت	۲۹
نماز مسافر.....	۳۰
اذکار و اورادی که بعد از نماز گفته می‌شود	۳۲
سنت‌های راتبه	۳۲
ترجمه‌ی نویسنده‌ی این کتاب بطور مختصر	۳۵

تقدیم

از آن جایی که اسلام عزیز و اصول و احکام ارزشمند آن طی چند سال، و بلکه چند دهه اخیر، به ویژه در میان مسلمانان فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان بتاریکی گرائیده، و شاید بتوان گفت بفراموشی سپرده شده بود، که طبعاً هر جامعه‌ای مشکلات خاص خودش را داشته است، اینک که فرصت فراهم آمده لازم است هرچه بیشتر و بهتر در این زمینه کار و فعالیت انجام داد، تا راه برای فهم اصول و مزایا، و سپس احکام مختلف اسلام که بحق جابگویی تمامی مشکلات بشر در همه عرصه‌های زندگی است هموار گردد.

رساله کوتاهی که به نام «آموزش نماز» توسط دکتر عبدالله بن أحمد بن علی الزید -حفظه الله- بزبان عربی نگاشته شده، و برادر عزیزمان آقای إسحق دبیری آن را به زبان فارسی برگردیده، گام مثبتی در همین راستا است.

آقای دبیری یکی از جوانان آگاه و فعالی است که شدیداً علاقه مند خدمت به اسلام عزیز بوده، و بویژه در باب تألیف و ترجمه بزبان فارسی شوق و علاقه خاصی دارد.

علاوه بر رساله «آموزش نماز» چند رساله مفید دیگر نیز نگاشته و یا ترجمه کرده است که هم اکنون زیر چاپند از جمله:

۱- مختصری از مناسک و راهنمای حج، تألیف.

۲- قبر: عذاب و خوشی آن، ترجمه.

۳- نامه‌ای برادرانه، ترجمه.

۴- خداشناسی برای خردسالان، تألیف.

۵- وجوب عمل به سنت رسول ﷺ و کفر کسیکه آن را انکار کند، ترجمه.

۶- واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است، ترجمه، و غیر از این‌ها.

بنده بعنوان یک طلبه مبتدی زبان فارسی، از این فرایند نیک بسیار خوشحالم، و از اینکه آقای دبیری این بنده ناچیز را أهل دانسته که اثرش را مراجعه کند و اظهار نظر نماید خوشحال تر.

پس قدم گذاشتن فعالانه شیخ إسحق دبیری را به عرصه خدمت به مسلمانان فارسی زبان برای ایشان و خوانندگان شان تبریک عرض می‌کنم، و از خداوند متعال امیدوارم به ایشان توفیق بیشتر و بهتر نوشتن، و به خوانندگان ایشان توفیق خواندن و عمل کردن و رساندن عنایت فرماید، و به دیگر کسانی که ذوق و علاقه خدمت به اسلام و امت اسلامی را دارند نیز همت و حوصله عطا نماید، بویژه در عرصه ترجمه و تألیف بزبان فارسی، به امید آنکه إن شاء الله شاهد پا گذاشتن جوانان فعال دیگری در این میدان باشیم.

عبدالله حیدری

۱۳۷۷/۵/۲۸ هجری شمسی برابر با

۱۴۱۹/۴/۲۶ هجری قمری

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي فرض الصلاة على عباده وأمرهم بإقامتها وحسن أدائها وعلّق النجاح والفلاح بالخشوع فيها وجعلها فرقاناً بين الإيمان والكفر وناهية عن الفحشاء والمنكر والصلاة على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين، أما بعد:

نماز رکن دوم اسلام و از مهمترین رکن بعد از شهادتین بشمار می‌رود، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ [النحل: ٤٤].

«و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی آنچه را که بر آنان فرورستاده شده است.»

پس رسول الله ﷺ این امانتی که بر دوش او بود بطور کامل به مردم رسانیده است، و نماز بزرگ‌ترین عبادتی است که برای مردم بیان فرموده، هم با قول و هم با فعل، حتی اینکه یکبار بالای منبر نماز خواند تا مردم از او چگونگی نماز را بیاموزند و فرمود: «إِنَّمَا صَنَعْتُ هَذَا لِتَأْتُمُوا بِي، وَلِتَعْلَمُوا صَلَاتِي» [متفق علیه]. «من اینکار را کردم تا اینکه شما از من پیروی کنید و چگونگی نماز خواندن را یاد بگیرید.»

رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ، فَإِنْ أَتَمَّهَا، وَإِلَّا قَبِيلَ: انظُرُوا هَلْ لَهُ مِنْ تَطَوُّعٍ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ

تَطَوُّعٌ أَكْمَلَتِ الْفَرِيضَةَ مِنْ تَطَوُّعِهِ، ثُمَّ يُفَعَّلُ بِسَائِرِ الْأَعْمَالِ الْمَفْرُوضَةِ مِثْلُ ذَلِكَ» [أبوداود وابن ماجه].

«اولین چیزی که بنده مسلمان در روز قیامت در مورد آن باز خواست می شود نماز است، پس اگر آن را بطور کامل ادا کرده که خوب است، وگرنه خداوند به فرشتگان خود می فرماید: (در حالیکه او بهتر می داند) نگاه کنید آیا بنده من نماز سنت و نافله ای هم دارد؟ پس اگر علاوه بر فریضه، نماز نفل و سنتی داشت فریضه ای را که در آن نقص وجود دارد با آن سنت و نافله کامل می کنند، سپس به همین ترتیب به بقیه اعمال وی حسابرسی می شود».

پس نماز سرمایه هر مسلمان بشمار می رود، زیرا تمامی اعمال و کردار او وابسته به قبول شدن، یا رد شدن نماز اوست، همچنانکه تاجر اگر سرمایه نداشته باشد نمی تواند تجارت کند تا سودی ببرد، و این دلالت بر بزرگی منزلت نماز در اسلام دارد.

پس کسیکه آرزوی ملاقات خداوند را دارد نباید از ادای آن کسالت ورزد زیرا نماز تشخیص دهنده و بیان کننده حد فاصل بین اسلام و کفر است، و آن ستون اسلام بشمار می رود که بجز آن بر چیزی دیگر استوار نخواهد ماند.

پیامبر اسلام ﷺ ما را به پیروی از خود امر فرموده، و این پیروی را بر ما واجب کرده است، چنانکه می فرمایند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» [بخاری].

«طوری نماز بخوانید که مرا دیدید نماز می خوانم».

و بشارت داده به کسیکه مانند او نماز بخواند، که خداوند عهد و پیمان کرده اسنت گناهان او را ببخشد، چنانکه می فرماید: «خَمْسٌ صَلَوَاتٍ أَفْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ ﷻ مَنْ أَحْسَنَ وَضُوءَهُنَّ، وَصَلَّاهُنَّ لَوْفَتِهِنَّ، وَأَتَمَّ رُكُوعَهُنَّ

وَحُشْوَعَهُنَّ، كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدًا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدٌ، إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ، وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ» [أبو داود].

«خداوند پنج نماز بر بندگانش فرض نموده است، کسیکه بطور کامل وضوء بگیرد و به وقت آن نمازها را ادا کند، و رکوع و سجود و خشوع و خضوع آنها را بطور کامل انجام دهد، خداوند تعهد کرده است که گناهان او را ببخشد، و کسیکه آن را انجام ندهد خداوند تعهدی ندارد که گناهان او را ببخشد، اگر خواست گناهان او را می‌بخشد، وگرنه او را عذاب می‌دهد.»

لذا با در نظر داشت این اهمیت فوق العاده، ما این رساله مختصر که در همین باب نوشته شده برای مسلمانان فارسی زبان ترجمه کردیم تا به اهمیت آن پی ببرند و چگونگی ادای نماز را بیاموزند و آن را بطور کامل ادا کنند.

إسحاق بن عبدالله دبیری

ریاض ۱۴۱۹/۱/۲۹ هجری قمری

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله محمد بن عبدالله صلى الله عليه وآله وسلم وبعد:

چندین بار از من خواسته شد تا کتابی مختصر و جامع درباره رکن دوم اسلام که نماز است بنویسم، کتابی در برگیرنده امور اساسی آن بوده و در عین حال قابلیت ترجمه بزبان‌های دیگر نیز داشته باشد.

لذا پس از جمع کردن و بررسی کتاب‌هایی که در باره نماز نوشته شده، برابم واضح گردید که هر کتابی در یکی از قسمت‌های نماز سخن می‌گوید. بعضی از آن‌ها در باره صفت و چگونگی ادای نماز نوشته شده، و اهمیت و فضل نماز را ترک کرده، و بعضی دیگر مسائل اختلافی را که برای نوآموزان ذکر آن لازم نیست شرح داده‌است.

پس لازم دانستم مسائل مهمی که بر هر مسلمان واجب است آن را انجام دهد، با ارائه دلایل شرعی از قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ جمع آوری کنم و مسائلی که در آن اختلاف وجود دارد، و نیز پژوهش‌های طولانی را ترک کنم، با مراعات به اختصار و شمولیت موضوع، تا اینکه به فهم هر خواننده‌ای نزدیک بوده و ممکن باشد به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شود.

از خداوند مسئلت دارم که نفع آن را به همگی برساند و خداست شنوا و اجابت کننده دعاها.

والله الموفق

ریاض ۱/۱/۱۴۱۴هـ

د. عبدالله بن أحمد الزید

پیشگفتار

در صحیحین از رسول اکرم ﷺ ثابت است که فرمودند: «بُنيَ الإسلامُ على خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» [متفق عليه].
این حدیث شریف شامل ارکان پنجگانه اسلام است که عبارتند از:
«رکن اول: گواهی دادن که خدائی بحق نیست مگر خدای یکتا، و محمد ﷺ رسول و فرستاده خداست.

و معنی شهادت «لا إله إلا الله»: یعنی معبود و خالق بحق نیست مگر خدای یکتا و یگانه.»

پس «لا إله» تمامی آنچه غیر از خدا عبادت می شود نفی می کند.
و «إلا الله» عبادت خدای یکتائی که هیچ شریکی ندارد ثابت می کند، چنانکه خداوند می فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸].

«خداوند که به داد (همه امور هستی) را تدبیر می کند و فرشتگان و عالمان، گواهی دهند که معبود (حق) جز او نیست. (آری) معبود (حق) جز او (که) پیروزمند فرزانه است، نیست.»

پس مقتضای شهادت «لا إله إلا الله» اعتراف کردن به سه چیز است:

اول: اینکه توحید ألوهیت فقط برای خدای یکتاست.

و آن عبارت است از: یکتا دانستن خداوند به تمام عبادت‌ها، و عدم اعتقاد چیزی از آن برای غیر از او.

و این توحید ألوهیت چیزی است که خداوند مخلوقات را بسبب آن آفریده چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام». و همین - ألوهیت - است که خداوند پیامبران را بسبب آن فرستاده، و کتاب‌ها را نازل فرموده است. چنانکه می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

«و به یقین در (میان) هر امتی رسولی را برانگیختیم، (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید». و شرک ضد توحید است

پس اگر معنای «توحید»: تمام عبادت‌ها را فقط از آن خدا دانستن است، «شرک»: انجام چیزی از عبادت‌ها برای غیر خداست.

و کسیکه بدون اکراه چیزی از انواع عبادت اعم از نماز، یا روزه، یا نذر، یا قربانی، یا طلب مدد را برای غیر خدا، چه صاحب قبری، و چه غیر از آن انجام دهد به خدا شرک آورده و برای او شریکی قائل شده است.

و شرک بزرگ‌ترین گناهان است، تمامی اعمال و کردار را محو و نابود می‌کند، و کسیکه به شرک آلوده شود، مال و جان او مباح است.

دوم: توحید ربوبیت: و عبارت است از: اعتقاد داشتن به اینکه خداوند خالق همه مخلوقات و روزی دهنده آنهاست، و اوست که به آنها زندگی می‌بخشد سپس آنها را می‌میراند.

و تدبیر کننده‌ای که برای او ملکیت آسمان‌ها و زمین است. و اقرار نمودن به این نوع توحید جزو فطری است که خداوند بنده را بر آن بطور فطری و غریزی آفریده، و همه انسان‌ها حتی مشرکین که پیامبر اسلام ﷺ در بین آنان مبعوث شده بود به این نوع توحید اقرار داشتند، و آن را انکار نمی‌کردند، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۳۱].

«بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد، یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار (هستی) را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟».

و هیچکس از انسان‌ها این توحید را انکار نمی‌کند بجز عده‌ای شاذ و نادر از بشر که ظاهراً آن را انکار می‌کنند، اما در باطن به آن اعتراف دارند، و این انکارشان فقط از روی عناد و گردنکشی است، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ [النمل: ۱۴].

«و آن (ها) را در حالی که دل‌هایشان آن (ها) را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند».

سوم: توحید اسماء و صفات خداوند: که عبارت است از: ایمان داشتن به آنچه خداوند خود را به آن توصیف فرموده، یا به آنچه رسول الله ﷺ خداوند را به آن وصف فرموده است.

و ثابت کردن آن به صورتیکه شایسته و لایق عظمت و کبریائی باری تعالی باشد، بدون بیان کیفیت چگونگی آن، و بدون آوردن مثال برای آن، و بدون شبیه کردن به چیزی، و بدون تحریف و تغییر دادن نص و معنای آن، و بدون انکار اسم و صفتی از اسمها و صفاتهای خداوند، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«و خداوند نام‌های نیک دارد. پس به آن (نام‌ها) او را به (دعا) بخوانید».

و همچنان می‌فرماید: ﴿فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست».

پس «لا إله إلا الله»: اعلان کردن و اقرار نمودن است به این سه نوع توحید، و هر کسیکه آن را بگوید بطوریکه معنای آن را بداند، و به مقتضا و ضروریات آن از قبیل نفی شرک و اثبات یگانگی خداوند عمل کند، او مسلمان حقیقی است.

و کسی که آن را بگوید و به معنی و ضروریات آن ظاهراً عمل کرده و در باطن آن را انجام ندهد و به آن اعتقاد نداشته باشد، او منافق است، و کسی که با زبان بگوید و کردار او مخالف مقتضا و ضروریات آن باشد، او کافر است، اگر چه بارها آن را تکرار کند.

و معنای شهادت «محمد رسول الله»: ایمان و تصدیق به رسالت محمد است، و چیزی که محمد ﷺ آن را از نزد خداوند آورده که این ایمان و تصدیق بایستی با انجام دادن و اطاعت کردن از اوامر او، و دوری جستن از

آنچه که از آن نهی فرموده همراه باشد، و اینکه تمامی عبادت‌های انسان مطابق و موافق دستور و فرمایش رسول خدا ﷺ باشد، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸].

«بی‌گمان رسولی از خودتان به سوی شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حریص (و) به مؤمنان رئوفِ مهربان است».

و همچنان می‌فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰].
«هرکس از رسول (خدا) اطاعت کند، در حقیقت از خداوند فرمان برده است».

و می‌فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل‌عمران: ۱۳۲].
«و از خداوند و رسول (او) فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید».

و می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹].

«محمد ﷺ رسول خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت‌گیر و درمیان خود مهربانند».

رکن دوم و سوم: ادای نماز، و دادن زکات است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾ [البينة: ۵].

«و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را -در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین ورز به آیین ابراهیمی)- بپرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین راستین».

و می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

«و نماز برپای دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».
و نماز همان چیزی است که ما در صدد و قصد بیان آن هستیم.
و زکات: آنچه‌ای است که از اموال اغنیاء و ثروتمندان گرفته می‌شود و بر فقیران و دیگر مستحقین آن توزیع می‌گردد.

و این اصل و قاعده بزرگ و عظیمی از اصول اسلام است، که بوسیله آن هماهنگی و همبستگی در جامعه اسلامی بوجود می‌آید، و افراد آن به یگدیگر کمک و یاری می‌دهند، لذا می‌بینیم که برای فقیر در آنچه در دست غنی و ثروتمند است حقی داده شده، بدون اینکه غنی و ثروتمند بر فقیر مَنّت بگذارد.

رکن چهارم: روزه ماه مبارک رمضان است. چنانکه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«ای مؤمنان، روزه بر شما مقرر شده است، چنانکه بر پیشینیان مقرر شده بود، باشد که تقوی پیشه کنید».

رکن پنجم: حج و زیارت خانه خدا است برای کسیکه استطاعت آن را داشته باشد.

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَىٰ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و برای خداوند حج خانه (کعبه) بر (عهده) مردم است، (البته) کسی که بتواند سوی آن راه برد. و هرکس کفر ورزد، (بداند) که خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.»

فضل نماز

از آنچه گذشت معلوم می‌شود که نماز شأن و منزلت بزرگی در اسلام دارد، و رکن دوم از ارکان اسلام است که اسلام بنده صحیح و درست نمی‌شود مگر با ادای آن، و اینکه کسالت در آن از صفات منافقین است، و ترک آن کفر و گمراهی و خروج از دایره اسلام می‌باشد، چنانکه رسول گرامی ﷺ می‌فرماید: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» [مسلم].

«بین مرد و بین شرک آوردن و کافر شدن ترک کردن نماز است.»

و همچنین ﷺ می‌فرماید: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» [ترمذی].

«فرق بین ما مسلمانان و بین کافران و مشرکین نماز است، پس کسیکه آن را ترک کند کافر می‌شود.»

و نماز پایه و اساس اسلام است، و آن واسطه بین بنده و خداست، چنانکه رسول الله ﷺ در حدیث صحیح می‌فرماید: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى يُنَاجِي رَبَّهُ» [بخاری].

«هریک از شما وقتی نماز می‌خواند با خداوند مناجات می‌کند.»

و آن علامت محبت و دوستی بنده با خدا و قدردانی او از نعمت‌هایش می‌باشد.

و از بزرگی شأن و منزلت نماز نزد خداوند این است که اولین فریضه‌ای است که بر پیامبر ﷺ فرض شده، و فرض شدن آن بر این امت در آسمان در شب اِسْرَاء و معراج بوده است.

و وقتی از رسول خدا ﷺ سؤال شد: بهترین اعمال کدام است؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى وَفْتِهَا» [متفق علیه].
«ادای نماز در اوقات آن».

و خداوند آن را پاکیزگی از گناهان و کارهای ناشایست قرار داده است، چنانکه رسول خدا ﷺ می فرماید: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ شَيْءٌ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: كَذَلِكَ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِنَّ الْخَطَايَا» [متفق علیه]. «ببینید اگر جوی آبی بر درب خانه یکی از شما جاری باشد و هر روز پنج بار در آن خودش را بشوید آیا از چرک و پلیدی بدن او چیزی باقی می ماند؟ صحابه رضی الله عنهم گفتند: خیر، آنحضرت ص فرمود: همچنین نمازهای پنجگانه که خداوند بوسیله آن خطاها و گناهان را محو و نابود می کند».

و در حدیث آمده که آخرین وصیت رسول الله ﷺ برای امت و آخرین سفارش ایشان در وقت وداع گفتن این دنیا بسوی آخرت این بود که فرمودند: «در ادای نماز، و حقوق بردگان از خدا بترسید، یعنی: به آنان احسان و نیکی کنید». [أحمد و نسائی وابن ماجه].

و خداوند در قرآن امر نماز را بسیار بزرگ شمرده و نماز و اهل نماز را شرافت بخشیده است، و در مواضع بسیار زیادی از قرآن کریم آن را یاد فرموده، و بطور خصوصی به آن سفارش نموده است، از آن جمله ارشاد باری تعالی چنین آمده است: ﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸].

«بر (گزاردن) نمازها و (بویژه) نماز میانه (عصر) پایبند باشید و برای خداوند فروتنانه (به عبادت) بایستید».

و همچنین خداوند می فرماید:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵].

«و نماز را برپای دار که نماز از (کارهای) ناشایست و ناپسند باز می دارد».

و باز می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ

مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۳].

«ای مؤمنان، از بردباری و نماز مدد بجوئید، که خدا با بردباران است».

و همچنین می فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾

[النساء: ۱۰۳].

«که نماز بر مؤمنان واجبی زماندار است».

و خداوند بر کسی که نماز را ضایع و پایمال کرده ادا نمی کند، عذایی

دردناک واجب نموده و می فرماید:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ

يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾ [مریم: ۵۹].

«آنگاه پس از آنان ناخلفانی جانشین شدند که نماز را ترک کردند و از

خواسته‌ها (ی نفسانی) پیروی کردند. پس (کیفر) گمراهی را خواهند

یافت».

پس بر هر مسلمان واجب است که بر نماز محافظت و پایبندی کند، و

همچنانکه خداوند آن را فرض نموده، و در اوقات خودش آن را ادا کند، با

نیت اینکه این عبادت به شکل درست، اطاعت از خدا و رسول خداست، و

بداند که در صورت تخلف به خشم و غضب دردناک و عقاب خداوندی گرفتار

خواهد شد.

طهارات و پاکیزگی

طهارت و پاکیزگی: پاکی بدن و لباس و جایگاه خواندن نماز را در بر می‌گیرد، و طهارت بدن به دو چیز حاصل می‌شود:

۱- غسل: از جناب و حیض (عادت ماهانه) و نفاس (خونی که بعد از وضع حمل می‌آید) که با ریختن آب بر تمامی جسم و موی سر با نیت طهارت، حاصل می‌گردد.

۲- وضوء: خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ [المائدة: ۶].

«ای مؤمنان، چون به (قصد) نماز برخیزید، روی خود و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشوید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا دو کعب^(۱) (قوزک بشوید)».

این آیه کریمه شامل اموری است که مرعات نمودن آن در وقت وضوء واجب است:

۱- شستن صورت، که مضمضه و استنشاق نیز جزو صورت شمرده می‌شوند.

یعنی شستشوی دهان و بینی بوسیله داخل کردن آب در آن‌ها.

۲- شستن دو دست تا آرنج.

۱- (و فاصله میان معطوف به واو، به معطوف به فاء برای ترتیب است که اول رو، دیگر دو دست شسته شوند، دیگر مسح سر شود، دیگر پا شسته شود، و آوردن شستن پا بعد از مسح سر برای این است که در شستن پا إسراف در ریختن آب نیاید، زیرا برای شستن رو و دو دست به کف آب گرفته می‌شود و إسراف نمی‌آید، اما در شستن پا و ریختن آب بر آن مظنهء إسراف است).

۳- مسح کردن تمامی سر، که گوش‌ها نیز جزو آن است.

۴- شستن دو پا تا قوزک (شتالنگ، بجلک).

و پاکیزگی لباس و جایگاه ادای نماز، این است که آن‌ها را از نجاست‌ها مانند ادرار و مدفوعات انسان و مانند آن پاک نمود.

نمازهای فرض

نمازهای فرض بر مسلمان در هر شبانه روز پنج وقت است که عبارتند از: نماز صبح که آن را نماز فجر یا بامداد گویند، و نماز ظهر، و نماز عصر، و نماز مغرب، و نماز عشاء و یا خفتن.

۱- نماز صبح: دو رکعت است و وقت آن از طلوع فجر صادق یعنی فجر دوم - و آن روشنی است که در آخر شب از جهت مشرق می‌آید - تا طلوع آفتاب.

۲- نماز ظهر: چهار رکعت است و وقت آن از اول زوال (مایل شدن) آفتاب از وسط آسمان شروع می‌شود و تا هنگامی که سایه هر چیز علاوه از سایه اصلی آفتاب یک برابر آن شود ادامه دارد^(۱).

۳- نماز عصر: چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت نماز ظهر شروع می‌شود تا اینکه سایه هر چیز دو برابر آن شود (و وقت ضرورت) تا قبل از غروب آفتاب که رنگ آن زرد شود ادامه دارد.

۱- و در نزد بعضی علماء و مذاهب اسلامی مانند مذهب احناف وقت ظهر تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که سایه هر چیز علاوه از سایه اصلی دو برابر شود، = اگر سایه اصلی جوان (۱/۵) متری در وقت زوال (هنگامیکه آفتاب بالای سر ایستاده) (۲۰) سانتی متر بوده تا وقتی که سایه او سه متر و (۲۰) سانتی متر شود وقت نماز ظهر ادامه دارد. (مترجم)

- ۴- نماز مغرب: سه رکعت است و وقت آن از غروب آفتاب شروع شده و تا ناپدید شدن شفق سرخ ادامه دارد.
- ۵- نماز عشاء چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت مغرب تا یک سوم شب و یا نیمه اول شب ادامه پیدا می‌کند.

صفت و چگونگی نماز

بعد از اتمام طهارت و پاکیزگی بدن و محل نماز با صفتی که ذکر کردیم انجام گرفت، و مسلمان از دخول وقت نماز مطمئن شد بطرف قبله که خانه خدا در مکه است ایستاده و برای هر نمازی که می‌خواست بخواند اعم از فریضه و سنت و نافله در قلب خودش نیت می‌کند^(۱) و سپس اعمال ذیل را انجام می‌دهد:

- ۱- در حالیکه به سجده گاه خودش می‌نگرد تکبیر تحریمه «الله أكبر» می‌گوید.
- ۲- در هنگام گفتن تکبیره تحریمه هردو دست خود را در تا برابر دو شانه و یا مقابل گوش‌ها بالا می‌برد.
- ۳- و سنت است که بعد از تکبیر تحریمه دعای استفتاح نماز بخواند^(۲) و بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ».

۱- نیت در قلب است، زیرا از رسول اکرم ﷺ ثابت نشده که آنحضرت نیت را بر زبان آورده باشند، مگر نیت حج، و همچنین از صحابه و یاران و تابعین هم ثابت نشده، پس نیت کردن با زبان یک نوع بدعت بشمار می‌رود. (مترجم)

۲- دعای شروع کردن نماز «استفتاح»، دعائیست که بعد از تکبیر تحریمه و قبل از شروع به قرائت فاتحه در نماز خوانده می‌شود و حکم آن سنت است.

«بارِ إلهها! ما تو را منزّه می‌دانیم، و تو را حمد و سپاس می‌گوئیم، و نام تو را برتر می‌دانیم و هیچ معبود بر حقی غیر از تو وجود ندارد».

و اگر بخواهد بجای دعای گذشته این دعاء را می‌خواند: «اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَفِّئْنِي مِنَ خَطَايَايَ كَمَا يُنْفَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ».

«بارِ إلهها! همچنانکه بین مشرق و مغرب فاصله ایجاد کردی، بین من و گناهانم فاصله ایجاد کن . پروردگارا! همچنانکه لباس سفید از چرک پاک می‌شود مرا از گناهانم پاک گردان. خداوندا! مرا از گناهانم با آب و یخ (برف) و تگرگ شستشو ده».

۴- پس می‌گوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

«پناه می‌برم به خدا از شر شیطان ملعون و نفرین شده، بنام خداوند بخشنده مهربان».

سپس سوره فاتحه را قرائت می‌کند:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ① الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ② الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③
 مَلِكٍ يَوْمَ الدِّينِ ④ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦ ﴿الفاتحة: ۱-۷﴾. و بعد از آن می‌گوید: «آمین».

«ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان بخشنده مهربان، خداوند روز جزا، تنها تو را بندگی می‌کنیم، و تنها از تو یاری می‌جوییم، ما را به راه

راست ره نما، راه کسانی که به آنان انعام کرده‌ای (راه پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان)، نه آنان که مورد خشم قرار گرفته‌اند (یهود)، و نه راه گمراهان (نصاری)».

«آمین» دعای ما را بپذیر، و ما را به راه راست پایدار گردان.

۵- سپس سوره‌ای از سوره‌های قرآن که آن را حفظ دارد قرائت می‌کند

مانند: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿۳﴾ وَلَمْ

يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾ [الإخلاص: ۱-۴].

«بگو: خداوند است که یگانه است، خداوند بی نیاز است، نه (فرزند) زاده،

و نه زاده شده است، و هیچ کس همتای او (نبوده) و نیست».

یا سوره: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿۱﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿۲﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿۳﴾ [النصر].

«چون نصرت الهی و فتح فرا رسد، و مردم را بینی که گروه گروه در

دین خدا درمی‌آیند، پس پروردگارت را با ستایش (او) به پاکی یاد کن و از او

آمزش بخواه. بی‌گمان او توبه‌پذیر است».

۶- بعد از آن به رکوع رفته می‌گوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و دو دست خود را بر

زانوی خود می‌گذارد و می‌گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» «پاک است

پروردگار بزرگ من».

و سنت است که سه بار یا بیشتر آن را تکرار کند.

۷- سپس سر را از رکوع بلند کرده می‌گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» «خدا

می‌شنود - و می‌پذیرد - ستایش کسیکه او را ستایش نماید»، خواه

إمام باشد و یا منفرد (تنهاگذار).

و بعد از راست شدن و آرام گرفتن از رکوع می‌گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ
حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مَلِ السَّمَوَاتِ وَمَلِ الْأَرْضِ وَمَلِ مَا بَيْنَهُمَا وَمَلِ مَا شئت
من شيء بعد».

«ای پروردگار ما! ستایش حقیقی ویژه تو است، بیشترین و بهترین و
مبارکترین حمد و سپاسی که آسمان‌ها و زمین، و آنچه بین آن دو است، و
آنچه تو خواهی پر شود از آن».

اما اگر مقتدی باشد در این هنگام می‌گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ...» تا آخر
این دعاء.

۸- سپس سجده کرده می‌گوید: «الله أكبر» و بر اعضای هفتگانه خود
سجده می‌کند که عبارتند از:
پیشانی با بینی، و کف هردو دست، و هردو زانو، و سر انگشتان دو پا، و
می‌گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» «پاک است پروردگار بزرگ من».

سه بار و یا بیشتر آن را تکرار می‌کند، علاوه بر آن هرچه دوست داشت
می‌تواند دعا کند.

۹- سپس در حالیکه سر خود را از سجده بلند می‌کند می‌گوید: «الله
أكبر» آنگاه بر پای چپ خود می‌نشیند و پای راستش را نصب می‌کند
و دست‌هایش را روی ران و زانویش می‌گذارد و می‌گوید: «رَبِّ
اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَعَافِنِي وَارْزُقْنِي وَاهْدِنِي وَاجْبُرْنِي».

«ای پروردگار من! از گناه و تقصیراتم درگذر، و به من رحم کن، و مرا
عافیت ده، و مرا روزی عطا کن، و مرا هدایت فرما، «واجبرنی»: آنچه بر
انسان می‌گذرد از نقص در بدن، مانند مریضی و امثال آن، و در دین، مانند

کوتاهی کردن در اوامر و دستورات، و افراط (زیاده روی) در محظورات که آن را جبران فرماید».

۱۰- سپس در حالی که «الله اکبر» می‌گوید سجده دوم را بجا می‌آورد، آنچه در سجده اول انجام داده در سجده دوم نیز تکرارش می‌کند.

۱۱- سپس «الله اکبر» گویان برای رکعت دوم بلند می‌شود، بدین ترتیب رکعت اول تمام می‌شود.

۱۲- سپس سوره فاتحه و یک سوره (یا چند آیه دیگر) از قرآن می‌خواند و به رکوع می‌رود، از رکوع بلند می‌شود سپس عیناً مانند اول دو سجده می‌کند.

۱۳- بعد از بلند شدن از سجده دوم همچنانکه بین دو سجده نشسته بود می‌نشیند و آنگاه «التحیات» را به این ترتیب می‌خواند:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

یعنی: «تمام تعظیم‌ها و نمازها و سایر پاکی‌ها فقط از آن خداست، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پیامبر، و سلام بر ما باد و بر بندگان نیکوکار خدا، گواهی می‌دهم که جز خدای بر حق معبودی نیست، و گواهی می‌دهم که محمد رسول و فرستاده اوست».

سپس اگر نماز دو رکعتی بود مانند نماز صبح و جمعه و هردو عید، همچنان به نشستن خود ادامه می‌دهد و نمازش را با خواندن این درود کامل می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ،

وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

«بار إليها! درود و رحمت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم رحمت فرستادی، تو ستایش شده و بزرگوار هستی». (پروردگارا! برکت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل فرمودی، تو ستایش شده و بزرگواری). و از چهار چیز به خداوند پناه می‌برد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ».

«خداوند! من به تو پناه می‌برم از عذاب دوزخ، و عذاب قبر، و فتنه زندگی و برزخ، و فتنه مسیح دجال». سپس آنچه از خیر دنیا و آخرت بخواهد دعا می‌کند، چه اینکه در نماز فرض، و چه در نماز سنت و نفل باشد.

آنگاه بسوی راست سلام می‌دهد: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ»، همچنان بسوی چپ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ».

و اگر نماز سه رکعت باشد مانند نماز مغرب، و یا چهار رکعت باشد مانند نمازهای ظهر و عصر و عشاء بعد از التحیات «الله اکبر» گویان بلند می‌شود و فقط سوره الفاتحه را تلاوت می‌کند.

سپس مانند دو رکعت اول رکوع و سجود می‌کند، در رکعت چهارم نیز به همان ترتیب، بجز اینکه در وقت نشستن بطور متورک می‌نشیند، یعنی: پای چپ خود را زیر پای راست گذاشته و مقعد خود را بر زمین می‌گذارد و پای راست خود را نصب می‌کند.

آنگاه بعد از رکعت سوم در نماز مغرب، و بعد از رکعت چهارم در نمازهای ظهر و عصر و عشاء تشهد اخیر را می‌خواند، و بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستد، و اگر خواست دعا می‌کند. سپس به دو طرفش مثل اول سلام می‌دهد، بدین ترتیب تا این‌جا نمازش تمام شده است.

نماز جمعه

دین اسلام اجتماع را دوست دارد و به اجتماع و هماهنگی دعوت می‌کند و تفرقه را ناپسند می‌شمارد و از آن تنفر و دوری می‌جوید. و هیچ فرصتی از فرصت‌های آشنائی متقابل و انس گرفتن و دوستی و اجتماع و هماهنگی بین مسلمین دیده نشده مگر اینکه آنان را به آن دعوت نموده و امر کرده است.

و روز جمعه، روز عیدی برای مسلمانان است که در آن به ذکر و سپاس خدا مشغول می‌شوند، و در خانه‌های خدا اجتماع کرده از دنیا و گرفتاری‌های آن خود را دور می‌نمایند تا فریضه‌ای از فرائض خدا را انجام دهند، و به توجیهاات و سفارشات خطباء و ارشاد علماء در خطبه‌های جمعه که بمثابة درسی از دروس هفته می‌باشد و امامان و خطبای جمعه مشاکل هفتگی جامعه را معالجه می‌کنند گوش فرا دهند.

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۹﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾﴾ [الجمعة: ۹-۱۰].

«ای مؤمنان، چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد، به (عبادت و) یادِ خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید این برایتان بهتر

است آنگاه چون نمازگزارده شود، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید».

و نماز جمعه بر هر مرد مسلمان و بالغ و آزاد و مقیم واجب است.

رسول خدا ﷺ بر آن مواظبت کرده و کسانی که آن را ترک می کنند شدیداً تهدید کرده است. چنانکه می فرماید: «لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ، أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ» [مسلم].

«بخدا قسم که مردمی از ترک نماز جمعه باز می آیند، یا اینکه خداوند بر قلب های آن ها مهر میزند و آنگاه آنان از غافلان و فراموش شدگان خواهند شد». و همچنین آن حضرت ﷺ می فرماید: «مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوُنًا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ» [أحمد و دارمی و أبو داود و ترمذی و نسائی و حاکم].

«کسی که سه نماز جمعه را از روی تهاون و کسالت ترک کند خداوند بر قلب او مهر می زند».

نماز جمعه بجز در مساجد صحیح نیست، آن جایی که مسلمانان در آن جمع می شوند و امام بر آن ها خطبه می خواند و آنان را نصیحت و ارشاد می نماید، این را هم باید توجه داشت که سخن گفتن در اثنای خواندن خطبه حرام است، حتی اگر به رفیقت بگوئی ساکت شو، لغو و بیهوده گفته ای. و نماز جمعه دو رکعت است و مسلمان اقتداء به امام خود با جماعت آن را انجام می دهد.

نماز جماعت

نماز با جماعت بیست و هفت درجه «۲۷» از نماز تنهائی فضیلت بیشتری دارد. این حدیث از ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبر ﷺ روایت شده چنانکه در صحیح بخاری آمده است.

و در حدیث دیگری آمده که رسول خدا ﷺ فرمودند: «لقد هممت أن آمر بالصلاة فتقام ثم أخالف إلى قوم في منازلهم لا يشهدون الصلاة في جماعة فأحرقها عليهم» [متفق علیه].

«همانا تصمیم گرفتم که دستور دهم اقامه نماز گفته شود و شروع به خواندن نماز کنند، سپس بطرف مردمی بروم که در خانه‌هایشان هستند و به جماعت حاضر نمی‌شوند پس خانه‌هایشان را بر آنان آتش زدم». اگر تخلف آن‌ها از نماز جماعت معصیت بزرگی نبود رسول الله ﷺ آن‌ها را به سوختن خانه‌هایشان تهدید نمی‌کرد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

«و نماز بر پای دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید». نص صریح و واضحی است در وجوب مشارکت نماز گزاران در نماز جماعت.

نماز مسافر

خداوند می‌فرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَاتَّقُوا اللَّهَ الْعَلِيمَ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

«خداوند در حق شما آسانی می‌خواهد، و در حق شما دشواری نمی‌خواهد، و تا شمار (روزه) را کامل کنید، و خداوند را به پاس آنکه هدایتتان کرد، بزرگ بدارید. و باشد که سپاس بگزارید».

بلی اسلام چنین است، هیچ‌گاه کار دشواری بر عهده کسی نمی‌گذارد، مگر باندازه استطاعت و توانائی آن، و اوامری که بداند در خور استطاعت

آنان نیست واجب نمی‌کند. از آن جایی که در سفر احتمال مشقت و سختی وجود داشت خداوند به دو چیز اجازه داده است:

۱- قصر نماز: که بنابر این آسانی نماز چهار رکعتی به دو رکعت تخفیف می‌یابد، پس اگر شما در سفر بودی باید نماز ظهر و عصر و عشاء را به جای چهار رکعت دو رکعت بخوانی، ولی نماز مغرب و صبح به حالت خود باقی می‌مانند و در آنان قصر و تخفیفی نیست. قصر نماز اجازه و هدیه‌ای است از طرف خداوند به بندگان متقی و پرهیزگارش، و خداوند دوست دارد که بنده همچنانکه فرائض او را انجام می‌دهد به موارد رخصت و تخفیف او نیز عمل نماید.

و هیچ فرقی در نوع وسیله سفر نیست، چه سفر با ماشین و هواپیما و کشتی و قطار باشد، و یا با اسب و شتر و قاطر و چهار پایان، و یا با پای پیاده باشد، همه این‌ها اسم سفر بر آن اطلاق می‌شود و در هر صورت نماز قصر خوانده می‌شود.

۲- جمع بین دو نماز: برای مسافر جایز است^(۱) که بین دو نماز در یک وقت جمع کند، نمازهای ظهر و عصر را با هم، و نمازهای مغرب و عشاء را با هم جمع می‌کند. یعنی هر دو نماز در یک وقت ادا می‌شود، اما هر نماز جدا از دیگری خوانده می‌شود، اول نماز ظهر و سپس فوراً نماز عصر را می‌خواند. یا اول نماز مغرب و بعد از آن نماز عشاء را ادا می‌کند. البته باید بخاطر داشت که جمع بین نمازها صرفاً به نماز ظهر با عصر، و نماز مغرب با عشاء اختصاص دارد، بنابر

۱- بعضی از علماء و مذاهب اسلامی بنابر اجتهادات فقهی جمع کردن بین نمازها را در سفر جایز نمی‌دانند. (مترجم)

این جمع کردن بین نماز صبح و نماز ظهر، و یا بین نماز عصر و نماز مغرب جایز نیست.

اذکار و اورادی که بعد از نماز گفته می‌شود

سنت است که بعد از نماز سه بار استغفر الله بگویند، و علاوه بر آن می‌گویند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَنَاعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». آنگاه (۳۳) سبحان الله و (۳۳) الحمد لله و (۳۳) الله أكبر می‌گویند که مجموعاً (۹۹) بار می‌شود، و برای تکمیل عدد (۱۰۰) می‌گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». سپس آیه الکرسی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ...﴾ [البقرة: ۲۵۵]. و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿۱﴾﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْتَّائِسِ ﴿۱﴾﴾ را می‌خواند. و مستحب است که سه سوره گذشته را بعد از نمازهای صبح و مغرب سه بار تکرار کند. و همچنین: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱۰) مرتبه بگویند.

البته تمام این اذکار و اوراد سنت بوده واجب نیست.

سنت‌های راتبه

برای هر مسلمان مستحب است که بر «۱۲» رکعت نماز سنت مواظبت کند بشرطیکه مقیم باشد. که عبارتند از: چهار رکعت قبل از نماز ظهر و دو

رکعت بعد از آن، و دو رکعت بعد از نماز معرب، و دو رکعت بعد از نماز عشاء، و دو رکعت قبل از نماز صبح. اما در وقت سفر پیامبر ﷺ سنت‌های ظهر و مغرب و عشاء و ترک می‌کردند، و بر سنت صبح و نماز وتر^(۱) محافظت می‌کردند. و بر ما است که کردار رسول الله ﷺ را اَسُوهُ و قدوه حسنه خود بدانیم خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«به راستی برای شما، در رسول خدا سرمشقی نیکوست.»
و گفتار رسول الله ﷺ که فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» [بخاری].
«نماز بخوانید همچنانکه مرا دیدید نماز می‌خوانم.»

والله ولي التوفيق

۱- وتر یعنی: فرد و طاق و تنهائی. نماز وتر از سنن مؤکده می‌باشد، و وقت آن بین نماز عشاء و طلوع فجر است، کمترین آن یک رکعت، و میانه آن سه رکعت، و بیشترین آن یازده رکعت می‌باشد، نماز وتر اول دو رکعت، و رکعت آخری تنها خوانده می‌شود، و در باره آن احادیث بسیاری آمده که ما در اینجا فقط به دو حدیث اشاره می‌کنیم، پیامبر ﷺ فرمودند: «اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَتَرًّا»، آخرین نماز شب خود را وتر قرار دهید، متفق علیه. و فرمودند: «أَوْتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا»، نماز وتر را بخوانید قبل از اینکه شب را صبح کنید، روایت از امام مسلم می‌باشد. به اجماع علماء و دانشمندان نماز وتر هر وقت بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر خوانده شود جایز است، البته در نزد بعضی علماء نماز وتر واجب است، و سه رکعت آن با هم خوانده می‌شود. (مترجم)

ترجمه‌ی نویسنده‌ی این کتاب بطور مختصر

نویسنده این کتاب دکتر عبدالله بن احمد بن علی الزید است که در شهرک (الغاط) یکی از شهرک‌های پایتخت عربستان سعودی که تا خود شهر ریاض (۲۵۰) کیلومتر فاصله دارد، در سال ۱۳۷۰ هجری قمری دیده بدنیا گشود، و در سال ۱۳۹۳ هجری قمری در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود در ریاض موفق به اخذ لیسانس شد، و بعد از آن در سال ۱۴۰۶ هجری قمری موفق به اخذ دکترا در همان دانشگاه گردید. و در حال حاضر در وزارتخانه شئون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد پُست معاونت مطبوعات و نشر در عربستان سعودی را بعهده دارد.